

## تقلید

اقتباس از عماله معرفت بقلم عبد الغفور خان معلم

( مکدوجل ) ازینکه تقلید در قطار غرائز سائره وجود انسان شماریده می شود انکار مینماید زیرا بافعال و جدائی توام نیست بلکه نظر بعقیده مشارالیه تفاید در وجود انسان میل فطری بوده؛ پاهت رسائی و پیروی از اعمال، اقوال، حرکات، سکات دیگران قصد او یا بصورت غیري قصدی از ودعوت میدهد چنانچه طفل طبیعه تا حادثات دور و پیش و محیط منسو به خود را خواه در لباس خوب باشد یا بد تقلید نموده از همه آنانکه با او دارای رابط و مناسبتی باشند بدون فهم و احساس خود و دیگران به کردار و اطوار و نشان مقلد میشود تا بالاخره زبانرا از افراد عائله و آنانکه با او مشغول اسرار حیثیاتند فرا گرفته حرکت رفتار و سایر آداب عامه رایج را قیو ما بسایه تقلید و پیروی از اعمال دیگران بدست میآورد. آنچه درین مورد بیشتر قاطب تذکار دیده می شود همین است که طفل عا دتاً از همان چیزهایی که در نزد او حاضر مرتبه محبوبیت است اکتی خوشش آید تقلید می کند بنا بران چیزهاییکه موضوع و مورد تقلید طفل قرار می گیرد بایست نمونه و سرمشقهای مقبول و دارای جهات مفید باشد تا در وجودش اثر ناپسند و غیر مطبوعی بوجود نیآورد مثلاً سخنی را که طفل شنیده است تقلید نموده الفاظیکه در مسکن، مکتب، جاده و سرك باز یگاه بگوشش رسیده باشد مورد تکرار و مشق او قرار می گیرد بنا بران طفل را باید در برابر نمونه های عالی و موضوعات تقلیدیه دلپسند قرار گذاشته به پیروی و مشابیهت انسانی از امور مقبولیکه دارای جهات پسندیده بوده غیر مطبوع و نیکو هییده نباشد عادت کسب و آموخته گردانید تقلید تنها در تعلیم و نشا آثار بزرگی نیست بلکه در تربیه عقلیه نیز رول مهمی بازیده در مرحله اولین تکوین و پیدایش عادت رئیس و سردسته عوامل بشمار میآید چنانچه

طفل كاری را كه برای مرتبه اولین در برابر چشمش عملی كردد مورد تقلید خویش قرار داده تا آنكه عادت و طبیعت ثانوی او بشود مشق و تدرار مینماید. اطفال در مالکیت و دارائی قوه تقلید بمشابه تمایز شان در قابلیت و استعداد های سائر و قوای جسمانی خیلی دارای اختلاف میباشند اطفال بانشاط و جویم نسبت باطفال ضعیف و کم قوت در تقلید حرکات سر بهتر بوده جمعی دیگر از خورد سالان به وجود خویش دارای اطمینان اعتماد زیادی میباشند و حریت و استقلال را در کار خود دوست میدارند و امثال همچو نوسیدگان بطوریکه اطفال ضعیف النفس را دوست دارند قدم بقدم مهای دیگران گذاشته در امور زیادی از آنها تقلید و پیروی کنند بتقلید دیگران مائل و خواستار نمیگردند.

اثر و مدخلیت تقلید در تعلیم و تعلم وقتی آشکارا و عیان میگردد که به فرق فهمانیدن طفل به کیفیت رفتار در بین ذریعه بیان و تکلم و همچنین مشاهده طفل دیگر یک مشغول رفتار و حرکت است و طفل نوآموز به تقلید نمودن از او میباید نظر کرده شود بدیهی است فهمانیدن کیف رفتار؛ رفتار و حرکت نمودن را بطول آموخته نمیتواند ولی در سائن استمرار و مداومت تقلید و تجربه بالاخره برفتار و حرکت ناد و آموخته میگردد تقلید در امور علمیه ایکه محتاج مهارت و تردستی زیاد است دارای تاثیر مخصوص و رول مهمی بوده در راه اکتساب مهارت بسا اعمال از قبیل ادمان های عضلی، خط، رسم، تخیل خطاب و سیله تنها بشمار میاید اینك تقلید در تعلیم و تعلم مساعدت زیادی رسانیده ما هم آنچه را در برابر جامعه عمل پوشد اولاً مشاهده نموده سپس بقدر استطاعت و اندازه قدرت خویش به تقلید و محاکات از آن مشغول شد و جهد میگردیم.

لیك از معنی بیانیه سابق این نکته را نمیتوان استنتاج نمود که در تقلید و پیروی نمودن خود از اعمال و كردار دیگران بمرتبه نخست و نوبت اولین لابد کامیاب و رستگار بشویم زیرا بوجه اول و اقدام نخست در تقلید اگر معروض ناکامی گردیدیم بمرتبه ثانی مثلاً باجرائی آن کامیاب و مظفر خواهیم شد همچنین تقلید و پیروی نمودن از اعمال و كردار

دیگر آن مخصوص و منحصر با افعال و خوردن سالان نیست بلکه در وجود اشخاص بزرگ و  
وسالیدگان نیز همان اندازه اثبات وجود مینماید.

انواع تقلید:

انواع تقلید مرتب بحسب ظهور آن در وجود طفل قرار ذیل است:

( ۱ ) تقلید منعکس

( ۲ ) تقلید تلقائی ( خود نمود )

( ۳ ) تقلید اختیاری یا مقصود

( ۴ ) تقلید تمثیلی

( ۵ ) تقلید اعلی

۱: تقلید منعکس: اولین نوع تقلیدی است که از زمان وقوع ولادت در وجود نوزاد پدید ظهور  
میکند طفل هنگامیکه از کدام چیزی، قول متاثر کرده بگریه، تن آغزی نماید - ولی بعضاً بدون متاثری  
شدن از کدام رنج و الم نیز اظهار گریه و خلق تنگی میکند. اینچنین گریه، تن سبب و واسطه  
میخورد ندارد بلکه تنها طفل دیگری را در حال بکا و گریه استن دیده آوازش را می شنود  
و بگریه آغاز میکند.

از امثله تقلید منعکس در بین بزرگان یکی همین است که هنگام فائزه کشیدن شخصی  
طرف مقابل او هم ولو حاجت و ضرورتی در میان وجود نداشته باشد معروض این کار یعنی  
فائزه کشیدن می ماند.

۲: تقلید تلقائی ( خود بخود ) یا انبعائی: این نوع تقلید در زمره سایر انواع آن  
بمرحله دومین قرار میگردد - و بطور معتاد پیشتر از شش ماهه شدن عمر نوزاد ظهور  
نمیکند. تقلید مذکور با تقلید منعکس باینکه به فعال منعمکه که طفل آنرا طرف تقلید  
خویش قرار میدهد، مقصور و منحصر نیست دارای اختلاف می باشد، مثلاً طفل کلمه

از کلمات را شنیده خود بخود و لولوا بالقریب در صد تقلید و انتفای آن می برآید ، باری اگر شمارا بحالت کف زدن و یاسر شورا نیدن بیاید اونیز بطور غیر قصدی بحاضر نمودن این کار مشغول میگردد ، که خودش تقلیه عرض می باشد ، چنانچه بسا در مجتمعات و جمعیت گاهای عمومی بعضی مردما ز ما مشاهده کرده باشید که از شخص دیگر بدون تفکر نمودن در سبب و غرض کاریکه بآن قیام کرده است تقلید میکنند . تقلید تلقائی ( خود بخود ) در اوان طفولیت اساس آموختن زبان و لغات است . بطوریکه طفل لجه و صدائی را شنیده خود بخود بدون دخالت کدام موثر و علت خارجی به تقلید و متابعت رسا نیدن آن مشغول میگردد .

۳ : تقلید مقصود : چنانکه طفل در نطق و اظهار کلمه از کلمات با حرفی از حر و ف یادر عملی نمودن عملی از اعمال مثلاً بغرض آموختن آن از شما تقلید نماید ، این نوع تقلید در سال دوم یا سوم عمر آنان بروز می نماید فرق در بین تقلید مقصود و تقلید تلقائی یا تبعاتی همین که است نخستین تقلید است برای عرض مقصود ، ولی تقلید دوم بدون موجودیت غرض و هدف مقصود بعمل می آید : -

۴ : تقلید تمثیلی ، این نوع تقلید در حین اطفال رول مهمی بازیده . منشاء آثار بزرگی می باشد و از سال سوم تا هفتم عمر بروز می نماید تخیل درین نوع تقلید اهمیتی زیادی دارد چنانچه طفل چوبی را گرفته سرار می شود ، قیادت می نماید و یا چوکی را هنگامیکه بالای آن نشسته است مثلاً که - وار آنمو بیل باشد . طرف خطاب خویش فرار میدهد ، بعلاوه حصه متوفای احوال و مظاهر پدر ، مادر ، دکتور ، خدمت گار موضوع تقلید او قرار میگردد .  
۵ : تقلید اعلی : که از نقطه نظر ظهورش آخرین انواع تقلید بنحسار می آید ، تاثیر تقلید مذکور بطوریکه شاید بغیر از اوان بلوغ و مراقبت بوقت دیگر ظهور نمیکند ، بچه درین عمر از امثله که در وجودش تاثیر بزرگی گذاشته باشد بقصد تقلید می برآید چنانچه از همین

فقط نظر تعلیم مدرسه را پس تر از بالغ شدن طفل به مرحله بلوغ مستمر و مستمر ام داشته  
وجود جوان را از دریافت فرصتیکه نهال سر مستقامی عالی را در گلدستان وجود خویش  
غرس نمود برای وصول مرتبه کمال در مستقبل خود را آماده می سازد نباید محروم  
و بی نصیب گردانید بچه ها درین موقع اولاً بتقلید بعضی سرمشق و نمونه های عالی که  
بدورپس و محیط منور به شان وجود دارد اظهار میل و خواهش میکنند؛  
سپس بتاریخ و ادب مراجعت کرده سرفروشت اشخاص شجاع و ادب دارا مورد تقلید خویش  
قرار میدهند، این موقع برای تنویش شاگردان بدریافت گذشت و شرح حال در آورده گان  
از قبیل علما، مخترعین، اهل فن، سیاستون، اطباء، ادبا و سایر افراد مختار و رهنمایان  
بشر عنایت ترین و لایق ترین فرصتی بشمار می آید تا مجال در برابر چشم شان پهناور  
و دامنه دار گردیده و آنچه را مایل و خواستار باشند اختیار نمایند.

تذکار انواع تقلید مرتب بترتیب سابق دارای این معنی نیست که انواع نخستین بظهور  
انواع اخیر معروض فنا و اضمحلال نمود بلکه همه انواع مذکوره تقلید بطول حیات در وجود  
انسان مداومت و پایه داری می نماید؛ چنانچه در وجود جوان - مثلاً - تمامی اقسام  
تقلید را می توان سراغ نمود.

اینک عالی و بادترین انواع تقلید همان است که برای غرض و هدف معینی بکار برده  
شود. و بهر اندازه که نصب العین و هدف زنده باشد تقلید هم بهمان پیمان برتر و نیکوتر می آید  
مانند عزم بتقلید نمودن از آن نمونه و سرمشقهای مستحسنه تقلید موافق اصل  
ولی نمونه و سرمشق که موضوع تقلید اطفال و خوردسالان قرار میگیرد بعرض حاضر شدن  
سهولت بایست واضح و پسندیده باشد و نیز پرورش کاران و مربیان راست بیاد داشته  
فراورش نمایند که اطفال ایشان را مشاهده نموده سپس همه گفتار و کردار را که بدون

شعور از ایشان بمنصه ظهور پیوسته یکن یکن تقابله نمرد و موقع اجرامی گذارند  
بدین وجه مربی باید در برابر طفل دایما از خرد افوال و اعمالی بوجود آورد که  
نمونه برجسته و سر مشق عالی شان قرار گرفته بهترین مقتدی و مرجع قابل متابعت حساب گردد  
برعکس اقل و پست ترین انواع تقلید عبارت از مشابهت رسائی با اعمالیست که شعور و مشارکت  
و جدائی در آن بظهور رپیوندند .



شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی